

شیعیان ساکن در هورهای جنوب عراق

دکتر سجاد دادفر

استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه

چکیده

در بین شیعیان عراق، گروهی وجود دارد که در هورهای جنوب عراق زندگی می‌کنند. این گروه که با عنوان «اعراب مرداب‌ها» نیز مشهورند، افرادی هستند که با اتکا به محیط آبی خود، عمدتاً به کارهای سنتی از قبیل کشاورزی، ماهیگیری و پرورش گاومیش مشغولند. منطقه مرداب‌ها یا هورهای جنوب عراق، اگرچه از نظر اقتصادی از غنی‌ترین بخش‌های کشور به حساب می‌آید، اما در نتیجه اهمال عمدی و هدفمند دولت‌های حاکم بر عراق، ساکنان آن همواره دچار فقر و محرومیت‌اند. این محرومیت‌ها به دنبال اقدامات سرکوب‌گرایانه حزب بعث در چارچوب تجاوزهای هدفمند و گسترده تشدید شد. توجه به اهمیت اقتصادی هورها و شرایط شیعیان ساکن در آن، در کنار بررسی سیاست‌های حزب بعث در قبال این منطقه، اساس مقاله پیش روی را تشکیل می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: شیعیان، عراق، المعدان، حزب بعث.

مقدمه

شیعیان عراق - که در حال حاضر بزرگ‌ترین گروه مذهبی این کشور را تشکیل می‌دهند - به طور عمده در مناطق جنوبی عراق ساکن هستند؛ از شط‌العرب در جنوب کشور گرفته تا رودخانه دپاله و زمین‌های کانال‌کشی‌شده بین حبانه و بغداد در شمال؛ یعنی پرجمعیت‌ترین بخش کشور. جز چند نقطه سنی‌نشین در شهرهای بصره، ناصریه و زبیر، بقیه محل اسکان شیعیان است. این مناطق که شامل نه استان نجف، کربلا، بابل (حله)، قادسیه (دیوانیه)، سماوه، کوت، میسان (العماره)، ذی قار (ناصریه) و بصره است استعدادهای بالقوه‌ای در زمینه‌های مختلف اقتصادی و مخصوصاً کشاورزی دارند (نک به: شکل ۱).

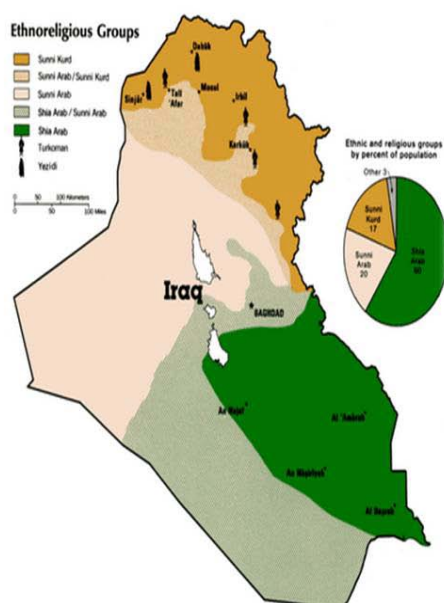
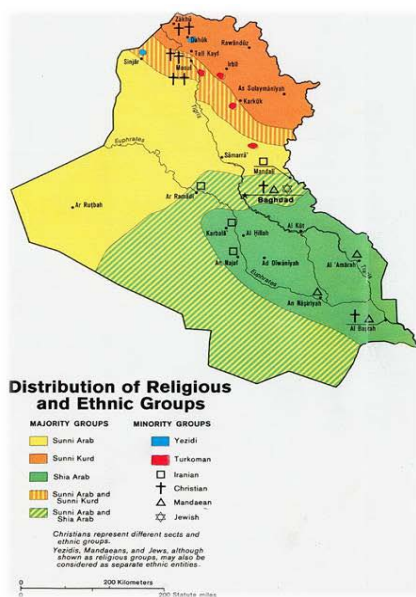
شیعیان عراق در آستانه قرن بیستم، عمدتاً به دو جامعه شهرنشین و روستایی تقسیم می‌شدند. شیعیان شهرنشین که عمدتاً در شهرهایی چون نجف، کربلا و بصره ساکن بودند، از نظر اقتصادی در بخش تجارت غلات، پوشاک، احشام و تولیدات مربوط به صنایع دستی چون پارچه‌های ابریشمی مشغول به فعالیت بودند. این در حالی بود که شیعیان روستایی که بخش عمده‌ای از آنها، هنوز بسیاری از خصوصیات جامعه عشیره‌ای خود را حفظ کرده بودند، بیشتر در زمینه کشاورزی و کشت محصولات چوبی چون گندم، برنج، خرما و حرفه‌هایی چون ماهیگیری و پرورش احشام مشغول بودند.

در کنار این دو گروه، بخش دیگری از شیعیان، افرادی هستند که در مرداب‌ها یا هورهای جنوب عراق مشغول به فعالیت هستند. نگاهی به تاریخ معاصر این کشور نشان می‌دهد این بخش از جامعه شیعی عراق، همواره دچار محرومیتی خاص بوده است. در مقاله پیش روی تلاش شده است ضمن بررسی اهمیت اقتصادی هورها، تا حدودی شرایط ساکنان آن در عصر حاکمیت حزب بعث مورد توجه قرار گیرد.

شیعیان هورنشین

در بین شیعیانی که در عراق به کشاورزی و دامداری مشغول‌اند، گروهی وجود دارد که در هورها یا مرداب‌های جنوب عراق زندگی می‌کنند. این گروه که از آنان با عنوان «اعراب مرداب‌ها» نیز نام برده می‌شود، در هورهای جنوب عراق در محل به هم پیوستن دو رودخانه دجله و فرات ساکن هستند. شیعیان هورنشین، قبایل متعددی را در بر می‌گیرند که از جمله آنها، می‌توان به: بنی‌اسد، بنی‌تمیم، بوحسن، بومحمد و بنی‌لام اشاره نمود (العزوی، ۱۴۲۵ق، الجزء الثالث، ص ۵۹-۷۲).

در زمان حاکمیت حزب بعث، به واسطه عدم سرشماری رسمی از شیعیان ساکن در مرداب‌ها و مشکلات ناشی از ورود به این منطقه، آمار دقیقی از ساکنان هورها ارائه نشده است، با وجود این بر اساس آمارهای تقریبی، شمار آنان را در دهه پنجاه میلادی در حدود پانصد هزار نفر ارزیابی کرده‌اند (الظالمی، ۲۰۰۲، ص ۳).



شکل ۱: پراکندگی قومی و مذهبی کشور عراق

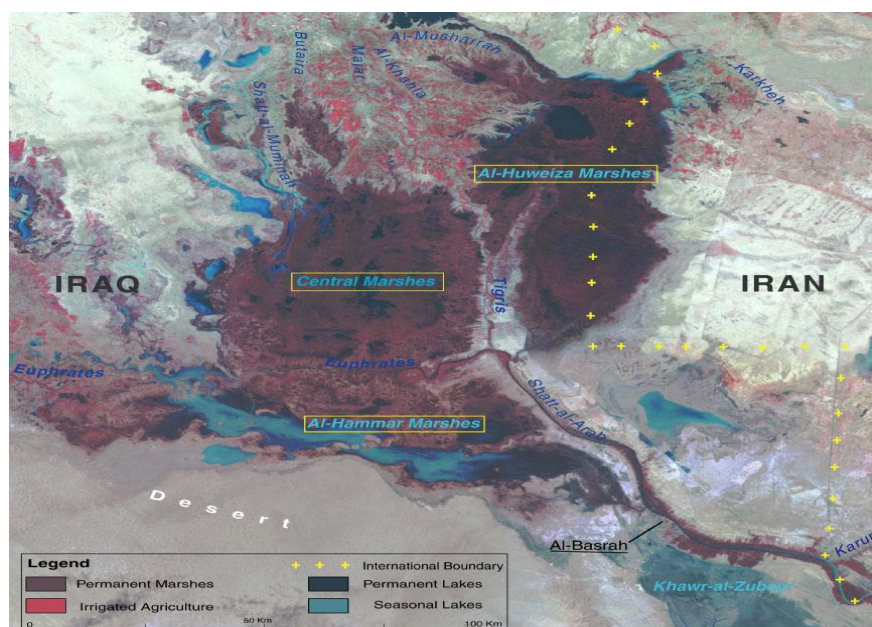
توصیف منطقه مطالعاتی

اهوار یا مرداب‌ها که مساحتی در حدود ۲۰ هزار کیلومتر مربع را شامل می‌شوند، از نظر موقعیت جغرافیایی در سه استان میسان (العماره)، ذی قار (ناصریه) و بصره واقع شده‌اند (نک به: شکل ۲). این مرداب‌ها به سه بخش اصلی تقسیم می‌شوند:

الف) مرداب‌های «الحمار» که در جنوب رود فرات، میان استان‌های ناصریه و بصره واقع شده‌اند (علی، ۱۹۹۸م، ص ۳۵).

ب) مرداب‌های میانی که میان دو رودخانه دجله و فرات در منطقه‌ای مثلثی شکل که ناصریه، قرنه و قلعه صالح از سه طرف آن را در بر گرفته‌اند، واقع شده‌اند. بخش شمالی این قسمت در اطراف شهر العماره به «اهوارالعماره» مشهور است (جوید، ۲۰۰۹م، ص ۱۴).

ج) اهور یا مرداب‌های هویزه که در شرق رود دجله واقع شده، تا خاک ایران امتداد یافته است. از این قسمت با عنوان «هورالعظیم» نام برده می‌شود (الصادی، ۲۰۰۷م، ص ۲۸). بدین ترتیب این سه قسمت، مجموعه‌ای از باتلاق‌ها و دریاچه‌های دائمی و در هم تنیده را تشکیل می‌دهند که مساحت آنها در فصول آرام سال، به حدود هشت هزار و هشتصد کیلومتر مربع می‌رسد؛ اما به هنگام طغیان‌های رودخانه‌های دجله و فرات، از آنجایی که آب، اراضی وسیعی از زمین‌های خشک و بیابانی را می‌پوشاند، این مرداب‌ها گسترش یافته، وسعت آن تا بیست هزار کیلومتر مربع نیز افزایش می‌یابد (همان، ص ۳۰).



شکل ۲: موقعیت سه ناحیه هورالحمار، هور مرکزی و هورالهویزه در سال ۱۹۷۶ میلادی

برخی از تاریخ نگاران معاصر عراق، زمان پیدایش مرداب‌ها را به پیش از میلاد مسیح نسبت می‌دهند. احمد سوسه در این مورد می‌نویسد:

در عهد نورادادا، پادشاه لارسا (۱۸۶۵ م / ۱۸۵۰ ق) سیل و طغیانی عظیم که شدیدترین سیلی بود که تا آن زمان اتفاق افتاده بود، روی داد. این سیل منجر به غرق شدن تمام منطقه سومر جنوبی و تغییر مسیر رودخانه فرات به سوی شاخه بابل گردید؛ همچنین، سیل موجب انحراف مسیر رودخانه دجله به سمت شهر العماره گردید. این دورودخانه پس از طی مسیری در شهر اور به هم پیوستند و از آنجا به طرف شهر زبیر کنونی تغییر مسیر دادند. آن گاه پس از عبور از جزیره بویان در خور عبدالله وارد خلیج فارس شدند. این در حالی بود که تا پیش از این، رودخانه‌های دجله و فرات به تنهایی وارد خلیج فارس می‌شدند (سوسه، ۲۰۰۷ م، ص ۷).

با وجود دیدگاه سوسه، منابع اولیه، زمان پیدایش مرداب‌ها را در زمان‌های متأخرتر، یعنی اواخر عصر ساسانی ذکر کرده‌اند. بلاذری و یاقوت حموی معتقدند: این تالاب‌ها در اواخر حکومت ساسانیان به شکل وسیعی گسترش یافتند. آنان دلیل این امر را بی‌توجهی ساسانیان به استحکام سدها و در نتیجه تخریب آنها در برابر سیلاب‌ها ذکر کرده‌اند (بلاذری، ۱۹۷۸م، ص ۲۹۰/ حموی، ۱۹۷۷م، ج ۱، ص ۴۵۰).

حسن الخياط که مطالعات گسترده‌ای درباره‌ی احوار انجام داده است، ضمن اشاره به سابقه‌ی تاریخی مرداب‌ها، به تفاوت خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان مرداب‌ها اشاره نموده، می‌نویسد: «حتی گیاهان و حیوانات آن متمایز هستند؛ به طوری که در دنیای عرب و خارج از آن، مناطق زیادی شبیه آن وجود ندارد» (الخياط، ۲۰۰۵م، ص ۱۲). در حال حاضر اکثر ساکنان مرداب‌ها را اعراب شیعه و برخی از صابیّان که از نژاد مندائی هستند، تشکیل می‌دهند. مقدسی درباره‌ی ساکنان این منطقه می‌نویسد:

ساکنان مرداب‌ها که مخلوطی از نبطی‌ها، زنگی‌ها، زطها، اساوره و عشایر عرب ساکن در آنجا هستند، برنج، ماهی و نیشکر را به مردم بصره می‌رسانند؛ با وجود این به واسطه‌ی سخت‌گیری مأموران مالیاتی و در نتیجه رنج‌هایی که از سیستم مالیاتی معمول در آن زمان متحمل می‌شدند، خود در فقر و گرسنگی زندگی می‌کردند؛ تا اینکه عمر بن عبدالعزیز و هارون الرشید با برداشتن مالیات از آنان، در موردشان دادگری کردند (مقدسی، ۱۹۸۷م، ص ۱۲۴).

ابن رسته در *الاعلاق النفیسه*، مرداب‌ها را خزانه و انبار مردم توصیف می‌کند که آب در آن جمع می‌شود. نی در آن برای منافعشان می‌روید و ماهی‌های تازه و شور نیز در آن به دست می‌آوردند؛ ضمن آنکه در اطراف آن مزارعشان قرار دارد که مواد غذایی‌شان را از آنها به دست می‌آوردند (ابن رسته، ۱۳۶۵، ص ۷۵).

اهمیت اقتصادی هورها

مناطق مرکز و جنوب عراق که از مراکز اصلی استقرار شیعیان است، در اقتصاد این کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت مناطق مذکور در تأمین مواد غذایی ساکنان عراق، به گونه‌ای است که از آن با عنوان «سبد نان عراق» نام می‌برند (الصالح، ۲۰۰۲م، ص ۶۲). بخش عمده‌ای از محصولات کشاورزی و دامی عراق چون گندم، برنج، خرما، میوه، شیر و فراورده‌های آن و گوشت‌های سفید و قرمز در این منطقه تولید می‌شود (الظاهر، ۱۹۵۹م، ص ۷۲). در این میان، منطقه مرداب‌ها یا هورها، از نظر اقتصادی از غنی‌ترین بخش‌های کشور عراق به حساب می‌آید. با وجود عقب‌ماندگی‌های فرهنگی، اجتماعی و صنعتی منطقه که نتیجهٔ اهمال عمدی و هدفمند رژیم بعث عراق بود، کلبه‌های فقیرانهٔ ساکنان آن، بر روی منابع عظیم نفتی بنا نهاده شده است.

منابع نفتی

بر اساس برخی پژوهش‌ها، مرداب‌های جنوب عراق، غنی‌ترین ذخایر نفت و گاز کشور را در خود جای داده‌اند (Issawi, 1962 p25). میدان نفتی برزکان در استان میسان (العماره)، میدان نفتی غرب قرنه، میدان نفتی رمله شمالی در بصره، میدان‌های نفتی نهر عمر و الحسین هر دو در غرب بصره و میدان نفتی مجنون در مرز العماره، برخی از مهم‌ترین میدان‌های نفتی این منطقه هستند. بر اساس برآوردهای کارشناسان وزارت نفت عراق، ذخایر نفتی میدان مجنون بین ده تا سی میلیارد بشکه و ذخایر میدان نفتی واقع در غرب قرنه پانزده میلیارد بشکه برآورد شده است (معروف، ۱۹۷۷م، ص ۹۶). در سال ۱۹۶۰م/۱۳۷۹ق از میدان‌های نفتی جنوب، ۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز، یعنی ۲۵ درصد تولید نفت کل این کشور تولید می‌شد (Issawi, 1962 p93)؛ اما با وجود منابع عظیم نفتی و درآمدهای سرشار از آن، به

نظر می‌رسد دولت‌های حاکم بر عراق، هرگز از این مسئله برای توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه استفاده نکرده‌اند. توسعه سریع و درآمدهای رو به رشد نفت، اگرچه منابع مالی بسیاری در اختیار دولت عراق قرار می‌داد، اما مسئله مهم‌تر عادلانه توزیع نشدن این منابع در میان بخش‌های مختلف جامعه است (Crocker, 2004, p.63).

ثروت گیاهی

در کنار منابع عظیم نفت و گاز، مرداب‌ها و مناطق اطراف آن در زمینه‌های دیگر اقتصادی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ برای مثال از جمله محصولات که این منطقه به داشتن آن زبانزد است، گونه‌های مختلف خرما است که عراق به داشتن این محصول و کیفیت بالای آن در جهان معروف است. در جنوب عراق، در کناره‌های رودخانه‌ها و مرداب‌ها و به‌ویژه در مناطق بصره و ناصریه، بهترین انواع درختان خرماي جهان پرورش می‌یابند (النصراوی، ۲۰۰۲، ص ۹).

تا پیش از جنگ عراق علیه ایران، تنها در شهر بصره در حدود بیست میلیون درخت خرما وجود داشت؛ اما این عدد از سال ۱۹۸۰م / ۱۴۰۰ق به بعد، به واسطه جنگ‌ها، سیاست حزب بعث در خشک کردن مرداب‌ها، بیابانی کردن منطقه و سیاست‌های ویرانگر کشاورزی، به شدت کاهش یافت (معروف، ۱۹۷۷م، ص ۸۴). افزون بر وجود آب به واسطه شرایط مناسب جوی، این منطقه از حاصلخیزترین زمین‌های عراق برای کشت گندم، برنج، جو، ذرت سفید، هندوانه، گوجه‌فرنگی و سایر محصولات کشاورزی است (الخرزعلی، ۱۹۹۸م، ص ۲۹). اهمیت اقتصادی منطقه را از میانه گزارش‌ها و آمارهایی که درباره تولیدات کشاورزی و دامی آن منتشر شده، به‌خوبی می‌توان دریافت. بر اساس پژوهشی که در سال ۲۰۰۲م / ۱۴۲۳ق درباره ثروت‌های دامی و گیاهی جنوب عراق صورت گرفته است، مساحت کلی زمین‌های کشاورزی منطقه، ۳۸ درصد کل مساحت زمین‌های کشاورزی عراق، یعنی کمی بیش

از یک سوم را تشکیل می‌دهد. در این گزارش، تولید گندم در منطقه، ۳۱ درصد، یعنی یک سوم کل تولید گندم، و تولید جو، ۲۶/۲ درصد، یعنی یک چهارم کل تولید جو عراق را شامل می‌شود. همچنین درختان میوه، ۴۷ درصد، یعنی در حدود نیمی از کل درختان میوه و درختان خرما، ۷۲ درصد، یعنی سه چهارم کل درختان خرما در عراق را تشکیل می‌دهند. تولید خرما در منطقه نیز ۶۷ درصد، یعنی دو سوم کل تولید خرما را شامل می‌شود (وزاره التخطيط، ۲۰۰۲م، ص ۶۲-۶۳).

ثروت دامی

در کنار کشاورزی، پرورش گاو، گوسفند و گاومیش در بین هورنشینان رایج است و از ثروت‌های دامی منطقه محسوب می‌شود (الظاهر، ۱۹۵۹م، ص ۱۶۵). تا پیش از شروع جنگ عراق علیه ایران، تعداد گاومیش‌های منطقه ۲۰۰ هزار رأس بود که عمدتاً در سه استان میسان (العماره)، ذی قار (ناصریه) و بصره پرورش می‌یافتند. در گزارشی از ثروت دامی منطقه - پیش از سیاست‌های حزب بعث در نابودی هورها - تعداد گاوهای منطقه ۴۸ درصد، یعنی حدود نیمی از کل گاوهای عراق و تعداد گاومیش‌های منطقه شصت درصد، یعنی در حدود دو سوم از کل گاومیش‌های عراق را تشکیل می‌دادند (وزاره التخطيط، ۲۰۰۲م، ص ۶۳-۶۴).

آمارهای فوق به خوبی نشان‌دهنده اهمیت منطقه و استعدادهای آن در امور زراعی و دامی است. مرداب‌های جنوبی همچنین پناهگاه میلیون‌ها ماهی است که در فصل بهار به طرز شگفت‌انگیزی شمار آنها افزایش می‌یابد و از نوع بهترین ماهی‌های منطقه محسوب می‌شوند. در عین حال پرندگان، بخش دیگری از ثروت حیوانی منطقه را تشکیل می‌دهند. جنگل‌های نی و پاپیروس این منطقه از بهترین مناطق خاورمیانه و حتی آسیا برای تکثیر و سکونت این پرندگان به حساب می‌آید (حمدان، ۲۰۰۶م، ص ۳۳).

این پرندگان در فصول بهار و تابستان از مناطق سردسیر دنیا چون سیبری و شمال اروپا به این منطقه مهاجرت می‌کنند. از مهم‌ترین گونه‌های پرندگان این منطقه می‌توان به انواع بلبل، مرغ ماهی‌خوار، لک‌لک، مرغابی، هدهد، کرکس، بط و غاز اشاره نمود. ساکنان محلی، از این پرندگان برای خوردن، تجارت و همچنین برای تزئین و زیباسازی خانه‌ها استفاده می‌کنند. علاوه بر اینها، مرداب‌های جنوب، دربردارنده ثروت درختان بردی (پاپیروس) و نیشکر است. از این ثروت برای صنعت کاغذ و صنایع وابسته به آن استفاده می‌شود. به طور کلی کارخانجات تولید کاغذ در عراق، وابسته به مرداب‌های جنوب کشور است. همچنین تولید شکر در العماره، وابسته به کشتزارهای نیشکر این شهر و سایر شهرهای جنوب است (سلیم، ۱۹۵۷م، ص ۶۵).

همان‌گونه که گفته شد، تا سال‌های دهه پنجاه میلادی، جمعیتی در حدود پانصد هزار نفر از شیعیان درون مرداب‌ها زندگی می‌کردند. این افراد خانه‌های خود را از نی و پاپیروس به شکلی زیبا و هماهنگ می‌سازند و برای رفت‌وآمد از قایق‌هایی که در زبان محلی آن را «مشحوف» یا «بلم» می‌نامند، استفاده می‌کنند.

تا سال‌های دهه پنجاه تغییر بسیاری در زندگی قناعت‌ورزانه و سنتی این مردم روی نداده بود. اقتصاد سنتی آنها از خودکفایی ذاتی برخوردار بود که متکی به محیط آبی آنها و کارهای سنتی از قبیل کشاورزی، شکار ماهی، پرورش گاو میش و جمع‌آوری نی - که منجر به ظهور صنایع دست‌تولیدی از خیزران شد - بود. اما در فاصله دهه‌های شصت تا هشتاد میلادی به‌تدریج و در نتیجه پدیده مهاجرت، از جمعیت ساکنان این منطقه کاسته شد (السعدی، ۱۹۷۶م، ص ۸۷).

فقر و محرومیت مرداب‌نشینان به واسطه عدم توجه دولت به مشکلات آنان، کمبود خدمات عمومی چون خدمات آموزشی و بهداشتی در کنار خشونت محیط، از جمله عواملی بودند که بسیاری از ساکنان مرداب‌ها و از جمله جوانان دانش‌آموخته

را برای مهاجرت به شهرها تشویق می نمودند. این در حالی بود که به واسطه افزایش درآمدهای نفتی و گسترش شهرنشینی، این افراد می توانستند فرصت های کاری بهتری در شهرها جستجو نمایند. بر اساس برخی گزارش ها، مهاجرت مردم از منطقه به گونه ای بود که باعث کاهش جمعیت تا حدود ۲۵۰ هزار نفر در سال ۱۹۹۱م/ ۱۴۱۱ق گردید (الصادی، ۲۰۰۵م، ص ۸).

حزب بعث و هورها

هرچند محرومیت هورنشینان و شرایط سخت زندگی در هورها در کنار جاذبه های شهرنشینی را می توان از علل مهاجرت و کاهش جمعیت این منطقه به حساب آورد، اما واقعیت آن است که نابودی اهوار تنها به دنبال اقدامات سرکوب گرایانه حزب بعث علیه شیعیان مرداب ها در چارچوب تجاوزهای هدفمند و گسترده صورت گرفت. حزب بعث با اقداماتی چون انحراف رودخانه ها و زهکشی گسترده منطقه، کوچ اجباری ساکنان آنان، بازداشت های دسته جمعی و ربودن افراد، بمباران منطقه و اعدام ساکنان آن، به تدریج زمینه های نابودی مرداب ها و ساکنان آن را فراهم آورد. این اقدامات که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود، پس از قیام (انتفاضه) ۱۹۹۱م/ ۱۴۱۱ق شیعیان جنوب عراق، شدت بیشتری یافت (الفهدی، ۱۹۹۷م، ص ۵-۷).

الف) زهکشی هورها

زهکشی و خشک کردن مرداب ها، از همان صدر اسلام مورد توجه حاکمان منطقه قرار داشته است؛ برای مثال در دوره امویان و به منظور افزایش خراج و مالیات، تلاش هایی برای خشک کردن مرداب ها صورت گرفت. هنگامی که عبدالله بن دراج، عهده دار جمع آوری خراج عراق شد، از سرزمین بطائح (تالاب ها) پنج میلیون درهم جمع آوری کرد. این مسئله خلفای بنی امیه را تشویق نمود برای اصلاح و زهکشی

مرداب‌ها تلاش نمایند؛ اما توفیقی در این راه به دست نیاوردند. حجاج بن یوسف نیز به دلیل اینکه خلیفه، ولید بن عبدالملک، هزینه آن را سنگین می‌دانست، از این کار منصرف شد. در دوره عباسیان و به هنگام شورش زنگیان در بصره، ولی‌عهد، الموفق بالله برای سهولت در تعقیب شورشیان، سعی کرد مرداب‌ها را زهکشی نماید. در دوره حکومت آل‌بویه و سلجوقیان نیز تلاش‌هایی برای خشک کردن مرداب به عمل آمد که هیچ کدام به جایی نرسید (ابن الاثیر، ۱۹۹۴م، ج ۴، ص ۱۳۹-۲۴۰). اما در دوره معاصر، تلاش برای زهکشی احوار به سال‌های اول دهه پنجاه میلادی بازمی‌گردد. در آن زمان و به سال ۱۹۵۳م/۱۳۷۲ق، اجرای طرحی اساسی با عنوان «رود سوم» آغاز شد. این طرح که شامل احداث کانالی عظیم و انحرافی بود، با هدف ازبین‌بردن شوری اراضی واقع در بین رودخانه‌های دجله و فرات و آماده کردن آنها برای کشاورزی آغاز شد. کار احداث این کانال در دهه‌های هفتاد و هشتاد نیز به صورت تدریجی ادامه پیدا کرد، اما به تدریج هدف اولیه نیز که انجام طرحی به منظور اصلاح زمین‌های کشاورزی بود، تغییر کرد. از سال ۱۹۸۰م/۱۴۰۰ق به بعد، این هدف به واسطه مسائل امنیتی و نظامی به انحراف آب از مرداب و خشک کردن آنها تبدیل شد (حبیب، ۱۹۷۱م، ص ۱۶۴). با شروع جنگ عراق علیه ایران، اجرای این طرح به تعویق افتاد و در مدت هشت سال جنگ (۱۹۸۰-۱۹۸۸م/۱۴۰۰-۱۴۰۸ق) هیچ‌گونه تلاشی برای اجرای آن صورت نگرفت. اما آنچه اهمیت شتاب در اجرای طرح مذکور را بیش از پیش به دولت بعث گوشزد نمود، همین جنگ و انتفاضه شیعیان جنوب در سال ۱۹۹۱م/۱۴۱۱ق بود. طی جنگ، بخشی از مرداب‌ها به صورت منطقه جنگی درآمد. در ماه‌های فوریه و مارس ۱۹۸۴م/۱۴۰۴ق ایرانیان با گشودن جبهه جدیدی در مرداب‌های هویزه در شرق منطقه قرنه، بر جزایر نفت‌خیز مجنون مسلط شدند. این امر باعث نفوذ بیشتر نیروهای معارض شیعی از جمله نیروهای وابسته به مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق (سپاه بدر) در داخل هورها گردید.

تسلط نیروهای ایرانی بر بخشی از هورها و تبدیل آن به پناهگاه امنی برای نیروهای مخالف، باعث شد رژیم بعث برنامه بزرگی برای مهندسی آب، به منظور خشک کردن مرداب‌ها آغاز نماید. بر اساس مستنداتی که محققان سازمان دیده‌بان حقوق بشر از بررسی و تحلیل مستندات و مدارک به دست آمده از آرشیوهای رسمی دولت عراق، در جریان انتفاضه سال ۱۹۹۱م ارائه داده‌اند، یکی از اهداف مهم خشک کردن هورها، جلوگیری از تبدیل آن به پناهگاهی برای مخالفان بوده است. بر اساس یکی از این مدارک با عنوان «طرح و نقشه کار برای مرداب‌ها» که در ۳۰ ژانویه سال ۱۹۸۹تهیه شده و دارای طبقه‌بندی محرمانه است، دولت پیشنهادهایی برای مقابله با نفوذ مخالفان در هورها ارائه داده است. در بخشی از این طرح که با موافقت صدام همراه بوده، آمده است: به منظور جلوگیری از فعالیت‌های خرابکارانه عناصر مخالف در هورها، به‌ویژه افراد فراری و مزدوران آموزش‌دیده در ایران (سپاه بدر) پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد: انجام فعالیت‌های امنیتی و نظامی در منطقه چون بمب‌گذاری، سوزاندن منازل مخالفان و آلوده کردن منطقه.

– پیشنهاد عفو به فراریان ارتش و خدمت سربازی در مقابل ترور عناصر مخالف ساکن در مرداب‌ها، انجام عملیات تلافی‌جویانه و بازدارنده به صورت دوره‌ای و منظم علیه ساکنانی که با خرابکارن همکاری دارند. این عملیات می‌تواند شامل تخریب و سوزاندن منازل آنها باشد.

– محاصره اقتصادی مناطق و مراکز فعالیت خرابکاران از طریق ممانعت از فعالیت نهادهای امدادگر، قطع روابط اقتصادی با سایر مناطق و منع فروش هرگونه محصولات دامی و کشاورزی منطقه.

– راه‌اندازی شبکه گسترده‌ای از جاسوسان محلی برای افشای محل اختفای مخالفان.

– انتقال ساکنان مرداب‌ها به مناطق دیگر و گسترش راه‌های ارتباطی با هورها.

- کنترل هرگونه رفت‌وآمد میان منطقه مرداب‌ها و مراکز بزرگ شهری و استفاده از نیروی هوایی در تعقیب مخالفان.

این طرح به‌خوبی ترس رژیم بعث از حضور مخالفان خود در منطقه را نشان می‌دهد. از سوی دیگر در جریان قیام ۱۹۹۱م/۱۴۱۱ق شیعیان در جنوب عراق، هورها به امن‌ترین پناهگاه نیروهای مخالف تبدیل شد (رووف، ۲۰۰۵م، ص ۳۴۲). همین مسئله حزب بعث را به اجرای سریع طرح «رود سوم» واداشت. این طرح که با هدف خشکاندن هورها با شدت بیشتری دنبال شد، سرانجام پس از نه ماه کار شبانه‌روزی به پایان رسید و دولت بعث در دسامبر ۱۹۹۲م/۱۴۱۲ق، رسماً این کانال را - که با عنوان رودخانه صدام معرفی شد - افتتاح نمود. کار زهکشی و انحراف آب‌های منطقه تا سال ۱۹۹۳م/۱۴۱۳ق با شتاب بسیار زیاد دنبال شد. علاوه بر رود صدام، رژیم بعث برای جلوگیری از ورود آب‌های دجله و فرات و شعبه‌های آنها در مرداب‌ها، کار احداث چهار کانال انحرافی دیگر با نام‌های القادسیه، ام‌المعارک، العز و تاج‌العمارک را تا سال ۱۹۹۴م/۱۴۱۴ق به پایان رساند. به نظر می‌رسد کار خشک کردن مرداب‌ها با احداث کانال انحرافی بزرگ‌تری با عنوان «نهرالوفاء للقائد» - کانال وفاداری به رهبر - در دسامبر ۱۹۹۷م/۱۴۰۷ق کامل شد (خیون، ۲۰۰۵م، ص ۶۸).

تأثیرات طرح‌های زهکشی

حزب بعث هرچند اجرای طرح‌های مذکور را یک انقلاب اقتصادی در منطقه معرفی می‌نمود، اما واقعیت آن است که اقدامات مربوط به زهکشی و انحراف رودخانه‌ها، عملاً منجر به تخریب اقتصاد منطقه شد (Tripp, 1993, p193). آثار طرح‌های زهکشی بر هورها، ویرانگر بود؛ به طوری که سرعت و مقیاس تغییرات پوشش گیاهی منطقه را می‌توان قابل قیاس با نرخ تخریب حوزه آمازون و خشک شدن دریاچه آرال دانست (الشطری، ۲۰۰۶م، ص ۹). در زمانی کمتر از یک دهه، یکی از بزرگ‌ترین و منحصربه‌فردترین زیست‌بوم‌های جهان از بین رفت. احداث کانال‌های انحرافی در رودخانه‌های بالادست ورود جریان‌های سیلابی به درون هورها را دستخوش تغییر

کرد. با احداث و آبیگری این سدها در بالادست، ورود سیلاب‌ها به این منطقه بسیار کاهش یافت و اثر خود را بر هورها نمایان ساخت. علاوه بر آن، ساختن این کانال‌های زهکشی با احداث سد آتاتورک ترکیه همزمان شد. این وقایع باعث کاهش میزان آب ورودی، به مقدار بسیار چشمگیری شد (Clark and Magee, 2001 p.22). با توجه به جدول‌های ۱ و ۲ و شکل‌های ۳ و ۴، تغییرات اساسی و آشکار هورها را طی چند دهه اخیر به خوبی می‌توان مشاهده کرد.

هورها	سال ۱۹۷۳-۱۹۷۶	سال ۲۰۰۰	درصد باقیمانده مساحت هورها
هور مرکزی			
هورهای دائمی	۲۸۵۳	۶۹/۸	۴/۲
دریاچه‌های دائمی	۱۱۲	۵/۷	۵/۱
دریاچه‌های کم‌عمق فصلی	۱۵۶	۲۲/۵	۱۴/۴
کل	۳۱۲۱	۹۸	۳/۱
هورالهویزه			
هورهای دائمی	۲۷۱۵	۸۳۷/۴	۳۰/۸
دریاچه‌های دائمی	۱۸۶	۱۲۹/۴	۶۹/۴
دریاچه‌های کم‌عمق فصلی	۱۷۵	۱۲۹/۴	۶۹/۴
کل	۳۰۷۶	۱۰۲۵	۳۳/۳
هور الحمار			
هورهای دائمی	۱۶۷۵	۲۷/۹	۱/۷
دریاچه‌های دائمی	۳۶۲	۸۸/۷	۲۴/۵
دریاچه‌های کم‌عمق فصلی	۶۹۲	۵۷/۲	۸/۳
کل	۲۷۲۹	۱۷۳/۹	۶/۴
مساحت کل هورها	۸۹۲۶	۱۲۹۶/۹	۱۴/۵

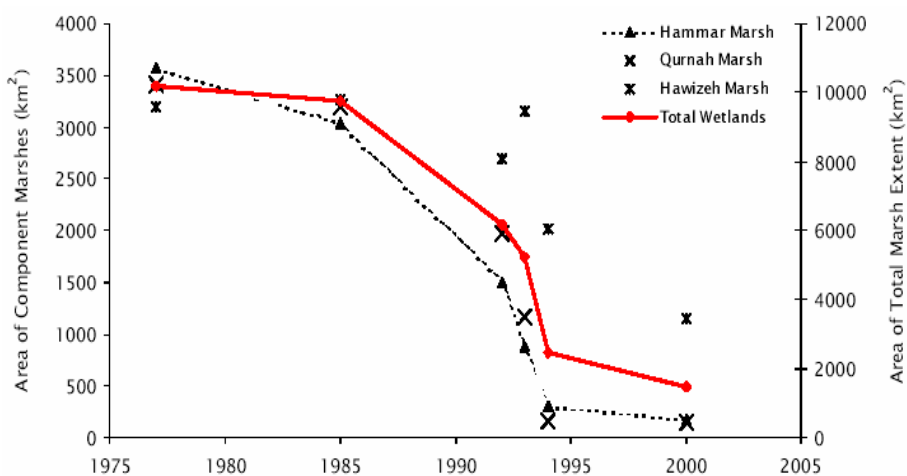
جدول ۱: تغییر مساحت هورها، در فاصله سال‌های ۱۹۳۷-۲۰۰۰ میلادی (کیلومتر مربع)

منبع: <http://ewrc.sharif.Edu>

سال	۱۹۷۷	۱۹۸۵	۲۰۰۰
سطح کل هورالحمار	۳۵۶۵	۳۰۴۱	۱۷۲
سطح کل هور مرکزی	۳۴۱۱	۳۴۴۷	۱۴۸
سطح کل هور الهویزه	۳۱۹۳	۳۲۶۲	۱۱۴۶
سطح کل هورها	۶۸۰۵	۸۰۸۷	۱۱۱۵
سطح آب‌های آزاد	۳۳۶۴	۱۶۶۳	۳۵۱
سطح کل دائمی هورها	۱۰۱۶۹	۹۷۵۰	۱۴۶۶

جدول ۲: تغییر سطح کل هورها در سال‌های ۱۹۷۷، ۱۹۸۵ و ۲۰۰۰ میلادی (کیلومتر مربع)

منبع: <http://ewrc.sharif.edu>



شکل ۳: تغییر سطح هورها بین سال‌های ۱۹۷۶-۲۰۰۰ میلادی

منبع: <http://ewrc.sharif.edu>

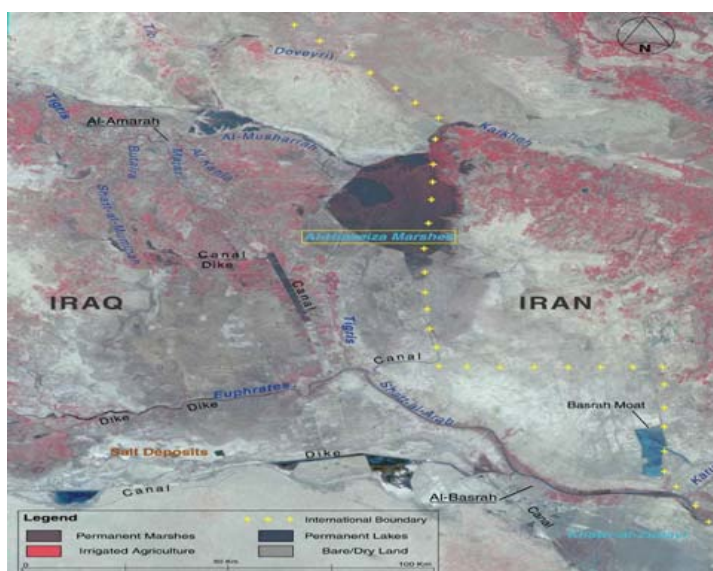
در نتیجه کاهش منابع آبی، ذخیره ماهی‌های منطقه به شدت کاهش یافت. تولیدات کشاورزی تا حد زیادی متوقف شد و چرخه پرورش حیوانات، دچار کاستی گردید (محمد، ۲۰۰۴م، ص ۱۹). برای مثال در حالی که تعداد گاومیش‌های منطقه در پیش از جنگ عراق علیه ایران، رقمی در حدود ۲۰۰ هزار رأس اعلام شده بود، این رقم بر اساس گزارش سازمان فائو در سال ۱۹۹۸م/۱۴۱۸ق به ۶۵ هزار رأس کاهش یافت. در این گزارش آمده است: کسانی که در مرداب‌ها مانده‌اند، مجبور به کشاورزی در زمین‌های خشک شده‌اند (www.FaO.org). پس از آنکه کانال‌های انحرافی برای جلوگیری از ورود آب به مرداب‌ها ساخته شد، پرورش‌دهندگان گاومیش برای تأمین هزینه سنگین علوفه، مجبور شدند بخشی از گاومیش‌های خود را بفروشند؛ زیرا با اقدامات رژیم بسیاری از نزارها و جنگل‌های پایروس که علوفه اصلی این حیوان به شمار می‌رود، خشک شدند. برخی دیگر به جای پرورش گاومیش به پرورش گوسفند روی آوردند؛ زیرا زحمت و هزینه آن کمتر و با شرایط مرداب‌ها پس از خشک شدن تناسب بیشتری داشت. عده‌ای نیز با فروش کامل دام‌های خود و مهاجرت به شهرها، به زندگی شهرنشینی روی آوردند (Rory, 2004, p126).

اقدام حزب بعث در خشک‌نمودن مرداب‌ها، ساکنان بومی را از ماده اولیه و اصلی مورد استفاده در ساختن قایق‌ها، سایه‌بان‌ها، و دیگر وسایل مختلف خانگی، محروم کرد و باعث از بین رفتن صنعت تولیدات محلی از خیزران شد؛ بنابراین دیگر استفاده از قایق‌ها به عنوان وسیله اصلی جابجایی در مناطق گسترده مرداب‌ها امکان‌پذیر نبود. از سوی دیگر سیاست خشک کردن مرداب‌ها و سوزاندن نزارها منجر به مهاجرت دسته‌جمعی ساکنان مرداب‌ها به ایران و سایر مناطق داخلی عراق شد. آمار مهاجران به ایران را از چهل تا صد هزار نفر بیان کرده‌اند (Cole, 2003, p19).

مقایسه تصاویر ماهواره‌ای گذشته و حال، به خوبی تأثیر اقدامات حزب بعث در خشک کردن مرداب‌ها را نشان می‌دهد. مشاهده تصویر لندست که در مارس ۲۰۰۰

برداشته شده است (نک به: شکل ۴) نشان می‌دهد هورهای مرکزی و الحمار در حال حاضر، زمین‌های خشکی هستند و دریاچه‌های دائمی هورهای مرکزی خشک شده‌اند و تنها قشری از نمک در سطح آنها باقی مانده است؛ برای مثال از هورهای مرکزی و الحمار، تنها چهارده درصد از وسعت آنها در سال ۱۹۷۶م باقی مانده است (نک به: شکل ۵). دریاچه مرکزی هور الحمار با طول ۱۲۰ کیلومتر که بزرگ‌ترین دریاچه در پایین رودخانه فرات بوده نیز به طور کامل زهکشی شده، باقیمانده آن نیز تبخیر شده است؛ به عبارتی دیگر از آن تنها رسوباتی باقی مانده است (<http://ewrc.sharif.edu>). تغییرات کلی هورها را بر اساس گزارش‌های موجود، می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

هور الحمار: این هور بین سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۲ سرعت خشک‌شدگی بسیار بالایی داشته است، اما از بین رفتن زیست‌بوم آن، همزمان با تکمیل رودخانه سوم - که به طور رسمی در سال ۱۹۹۲ آغاز به کار کرد - شدت گرفت و بیشترین تغییر بین سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴ رخ داد؛ به عبارتی تنها شش درصد از مساحت اولیه این هور در سال ۲۰۰۰ باقی مانده است؛ ضمناً این نواحی باقیمانده، نماینده بخش حقیقی سیستم حوزه قبلی نیستند و بیشتر، شامل نواحی اطراف کانال‌ها می‌باشند (Clark and Magee, 2001, p42).

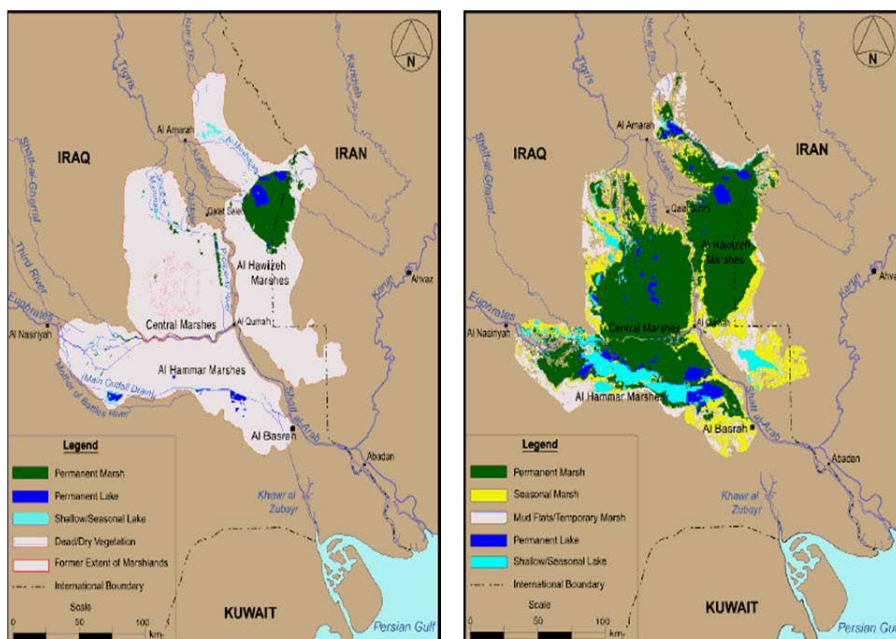


شکل ۴: تصویر ماهواره‌ای Landsat از منطقه، در سال ۲۰۰۰ میلادی

هور مرکزی: خشک شدن این هور نیز مانند هور الحمار بوده است؛ با این تفاوت که شدت تغییر در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴ بیشتر بوده است. و طرح کانال انحرافی ام المعمارک نیز بیشترین تأثیر را بر روی این هور داشته است. این طرح که شامل یک سد و آب‌بند است، در آوریل ۱۹۹۳ با طول ۴۸ کیلومتر و عرض ۲ کیلومتر به شط المامنیاه منحرف شده، و در القرنه به فرات می‌پیوندد. این انحراف آب که همراه با اصلاح زهکشی در طول فرات بوده است، در خشکی سریع سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۴ بی‌تأثیر نبوده است. تنها ۳ درصد یا ۹۸ کیلومتر مربع از ۳۱۲۱ کیلومتر مربع این هور در سال ۲۰۰۰ باقیمانده است (همان، ص ۴۳-۴۴).

هور الهویزه: بر خلاف هورهای الحمار و مرکزی، نرخ از بین رفتن این هور کمتر بوده، حدود ۳۳ درصد یا یک سوم سطح اولیه آن در سال ۲۰۰۰ باقی مانده است. قسمتی از این هور که در ایران قرار دارد، به هورالعظیم شناخته می‌شود که قبلاً سطحی در

حدود ۲۱ درصد از کل هورها را شامل می‌شد؛ اما در نتیجه زهکشی‌های بسیار در عراق، این نسبت به ۲۹ درصد رسیده است؛ البته خود هورالعظیم نیز به مساحتی کمتر از نصف سطح آن در سال ۱۹۷۳ تبدیل شده، خطوط ساحلی آن نیز در حال عقب‌نشینی است (همان).



شکل ۵: تغییر سطح هورها در طی سال‌های ۱۹۷۳-۲۰۰۰ میلادی

ب) اقدامات نظامی و کوچ ساکنان هورها

در کنار طرح خشک کردن مرداب‌ها، به نظر می‌رسد آنچه ضربه نهایی را در جهت نابودی هورها و ساکنانش وارد آورد، اقدامات حزب بعث پس از انتفاضه ۱۹۹۱م/۱۴۱۱ق بود. به دنبال شکست صدام در جنگ اول خلیج فارس و اخراج نیروهای عراقی از کویت توسط آمریکا و متحدانش، شیعیان عراق که سال‌ها در ظلم و حرمان به سر می‌بردند، انقلابی خودجوش را سامان دادند که به «انتفاضه شعبانیه» موسوم شد. طی این انقلاب که سه هفته طول کشید، کنترل چهارده استان از دست

نیروهای دولتی خارج شد و بیشتر مناطق شیعه‌نشین به دست انقلابیون افتاد (الفهدی، ۱۹۹۷م، ص ۵). در جریان انقلاب، مبارزان شیعه که تا پیش از این در مرداب‌های جنوب عراق به شکل مخفیانه زندگی می‌کردند، با خروج از پناهگاه‌های خود به انقلابیون پیوستند. به دنبال وقوع این انقلاب، حزب بعث تلاش گسترده‌ای برای سرکوب انقلابیون آغاز نمود. به دنبال این اقدام، ده‌ها هزار نفر از شیعیان، از جمله فراریان ارتش و مخالفان سیاسی، تلاش کردند تا با پناه‌بردن به مرداب‌ها جان خود را نجات بدهند (thesiger, 2007, p51)؛ اما رژیم بعثی با بمباران منظم و پیوسته و حملات توپخانه‌ای، مرداب‌ها را به جهنم تبدیل کرد. خانواده‌هایی که خانه‌هایشان به واسطه حمله ارتش و یا بمباران و حملات توپخانه‌ای تخریب می‌شد، در ابتدا با انتقال به نقاط دیگری از مرداب‌ها تلاش می‌کردند دوباره کلبه‌های خود را از نی برپا نمایند؛ اما به دنبال افزایش حملات هوایی و زمینی، این گزینه نیز دیگر ممکن نبود (یاسین، ۱۹۹۸م، ص ۵۲). در نتیجه، ده‌ها هزار نفر از ساکنان مرداب‌ها مجبور شدند به سوی ایران و یا نقاط امن دیگر فرار کنند. بر اساس گزارش‌های موجود، رژیم بعث در حملات خود از بمب‌های شیمیایی به شکل گسترده‌ای استفاده کرده بود (صوت‌الدعوه، ۱۴۱۴ق، ص ۹۱-۹۲).

بر اساس گزارشی که در سال ۱۹۹۳م/۱۴۱۳ق، سازمان دیده‌بان حقوق بشر، از خشونت‌های حزب بعث پس از قیام ۱۹۹۱م/۱۴۱۱ق، علیه مرداب‌ها و شیعیان ساکن در آن، تهیه نموده، بر اقداماتی چون: قتل عام هزاران نفر از شهروندان و روستاییان غیرمسلح از طریق اعدام‌های فوری و بمباران‌های هوایی، بازداشت گسترده و انتقال اجباری ساکنان مرداب‌ها از روستاها و مراکز اقامت خود به شهرها و امتداد بزرگراه‌ها برای تسلط آسان بر آنان، تخریب عمدی و گسترده منازل و دارایی‌ها از طریق حملات توپخانه‌ای، بمباران، بمب‌گذاری و آتش‌زدن اشاره شده است (Human Rights Watch, January, February, 1993).

به نظر می‌رسد این اقدامات با دو هدف و به صورت برنامه‌ریزی شده در روستاها و مناطق مورد نظر اجرا می‌شد: نخست، جلوگیری از بازگشت ساکنان به مناطق اولیه و دیگری محروم کردن آنها از املاکشان؛ از این‌رو نیروهای حکومتی مزارع و محصولات کشاورزی را به آتش می‌کشیدند و حیوانات کشاورزان را می‌کشتند (الشطری، ۲۰۰۶، ص ۹).

از سوی دیگر، نیروهای حزب بعث با کاشتن مین در مناطق خشکی و درون آب‌ها، زندگی را برای هورنشینان بسیار دشوارتر کردند. استفاده از مین‌های بدون علامت در آغاز سال ۱۹۹۲م/۱۴۱۲ق شدت بیشتری یافت. بیشتر مین‌های آبی در هورهای العماره و الحمار در مدخل رودها که محل اختفای نیروهای مخالف بود، کار گذاشته شد. این کار به منظور ممانعت از ورود و خروج افراد به داخل هورها صورت می‌گرفت. از این مین‌ها، همچنین در آب‌های کم‌عمق که مورد استفاده مردم محلی بود نیز استفاده می‌شد. این اقدام، استفاده از قایق‌ها را ناممکن ساخت و باعث کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر از بومیان منطقه شد. به علاوه تعداد زیادی از گاومیش‌ها و گاوها که اقتصاد محلی بر آنها تکیه داشت، کشته شدند (Clark and Magee, 2001, p.42).

محروم کردن اهالی منطقه از معالجه، به‌ویژه افرادی که از قبایل دشمن حکومت به حساب می‌آمدند و یا کسانی که منازلشان در منطقه ممنوعه (جایی که برای زمینه‌سازی جهت زهکشی و یا اهداف نظامی، تخلیه شده بود) قرار داشت، از دیگر اقدامات دولت علیه ساکنان هورها بود. کسانی که تلاش می‌کردند در بیمارستان‌های دولتی معالجه شوند، خود را در معرض خطر بازداشت قرار می‌دادند؛ بنابراین مجروحان برای درمان، مجبور می‌شدند به سمت ایران بپایند که بسیاری از آنها در میانه راه جان می‌دادند. حتی شهروندانی که به سبب بیماری‌های عادی مریض می‌شدند و به معالجه نیاز داشتند، با چنین مشکلاتی روبرو بودند. از سوی دیگر، رژیم بعث برای جلوگیری از استفاده احتمالی این افراد از امکانات دارویی منطقه، منابع و امکانات دارویی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی شهرهای بزرگ نزدیک مرداب‌ها (از جمله بصره، ناصریه و العماره) را به سایر نقاط انتقال داد (kubba, 2003, p138).

همچنین حزب بعث با تشدید محاصره اقتصادی منطقه، زمینه مهاجرت اجباری ساکنان آن را بیش از پیش فراهم نمود. این اقدام موجب ممنوعیت کامل انتقال مواد غذایی، فراورده‌های نفتی و دارو به درون مرداب‌ها شد. گشت‌های ارتش، مسافرانی که قصد ورود به منطقه را داشتند، مورد بازرسی قرار می‌دادند و هر نوع مواد غذایی بیشتر از نیاز خانواده را ضبط می‌نمودند. افرادی که اقدام به قاچاق مواد غذایی به درون مرداب‌ها می‌نمودند، در صورت دستگیری به بدترین شکل ممکن مجازات می‌شدند که گاهی به اعدام فوری منجر می‌شد (al-khayoun, 2004, p86).

بدین ترتیب، مجموعه این اقدامات زمینه را برای نابودی هورها و ساکنان آن فراهم آورد. اگرچه آمار دقیقی در دست نیست، اما شواهد، بیانگر جابه‌جایی یا ازبین‌رفتن حدود نیم میلیون جمعیت بومی هورهاست؛ جمعیتی که زندگی اجتماعی و اقتصادی آنها با ازبین‌رفتن هورها از بین رفت، و این اقدامات، اجتماع بشری و روش‌های جاری یک زندگی ۵۰۰۰ ساله را از بین برد (محمد، ۲۰۰۴، ص ۲۱). از سوی دیگر ازبین‌رفتن هورها، اثر فاجعه‌آمیزی بر حیات وحش و تنوع زیستی آن داشته است و به یک مسئله منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است؛ زیرا کارشناسان حیات وحش بر این عقیده‌اند که ازبین‌رفتن این هورها، باعث انقراض جانوران این منطقه، از جمله سمور آبی، موش صحرایی و سایر موجودات بومی این حوزه شده است (<http://ewrc.sharif.edu>). همچنین خشک‌شدن بیش از ۹۰۰۰ کیلومتر مربع از حوضه و دریاچه‌ها، سبب ازبین‌رفتن نقش تعادلی حوضه‌ها شده است. در این ناحیه، نسبت رطوبت و تبخیر و تعرق کاهش سریع داشته، توزیع بارش نیز تغییر یافته است. دما در این منطقه نیز با نرخ ثابتی افزایش داشته که این مسئله در طول تابستان‌های گرم و طولانی مشهودتر بوده است (<http://www.ldeo.columbia.edu>). طوفان‌های شن و بادهای خشک با دماهای فوق‌العاده بالا، باعث ازبین‌رفتن پوشش نی‌ها شده است؛ به صورتی که دیگر مانعی برای شکسته‌شدن باد وجود نداشته، این بادهای قشرهای نمک و خاک خشک هورها همراه شده، تا هزارها کیلومتر فراتر از مرزهای عراق می‌وزند (همان).

نتیجه

منطقه مرداب‌ها یا هورهای جنوب عراق، به واسطه منابع عظیم نفتی و همچنین برخورداری از ثروت‌های دامی و گیاهی، از مهم‌ترین مناطق اقتصادی عراق به حساب می‌آید. با وجود این مسئله، در زمان حاکمیت حزب بعث، ساکنان این منطقه که اکثر آنان را شیعیان تشکیل می‌دهند، دچار فقر و محرومیت بودند. مطالعه ماهیت نظام سیاسی حاکم بر عراق در دوران حزب بعث نشان می‌دهد به واسطه حاکمیت تفکر ضدشیعی در بین سران این حزب، شیعیان این کشور از شرایط مناسبی برخوردار نبودند. به دنبال آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بر شدت محدودیت‌ها و اعمال تبعیض علیه شیعیان عراق افزوده شد. اقدامات خشونت‌بار حزب بعث، واکنش شیعیان و رهبران دینی و سیاسی آن را به همراه داشت. موقعیت طبیعی هورها و نزدیکی آن به میدان‌های جنگ باعث شد این منطقه پایگاهی امن برای مبارزه علیه حاکمیت حزب بعث محسوب شود. از سوی دیگر در جریان انتفاضه شیعیان جنوب عراق در سال ۱۹۹۱م هورها به امن‌ترین پناهگاه مبارزان شیعی تبدیل شد، نتیجه این امر، اجرای طرح نابودی هورها توسط حزب بعث بود. این طرح در طول حاکمیت حزب بعث، از طریق اقداماتی چون انحراف مسیر رودخانه‌ها و زهکشی گسترده منطقه، کوچ اجباری ساکنان آن، بازداشت‌های دسته‌جمعی، بمباران منطقه و اعدام ساکنان آن پیگیری شد. اقدامات شدید حزب بعث علیه هورها، نه تنها تغییر شرایط زیست محیطی منطقه را به دنبال داشت، بلکه در عین حال به قتل عام، کوچ اجباری و نابودی اقتصاد معیشتی ساکنان آن منجر شد. این امر نقش عمده‌ای در تضعیف موقعیت اقتصادی و در عین حال سیاسی شیعیان عراق داشت.

منابع

۱. ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی؛ **الکامل فی التاریخ**؛ تحقیق مرکز التراث؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۹۴م.
۲. ابن رسته، احمد ابن عمر؛ **الاعلاق النفیسه**؛ ترجمه حسین قره‌چانلو؛ ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵ش.
۳. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی بن جابر بغدادی؛ **فتوح البلدان**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م.
۴. جوید، دلال؛ **اهوارالعراق مدن الماء العائمه**؛ بغداد: مرکز اعلامی ثقافی النور، ۲۰۰۹م.
۵. حبیب، کاظم؛ **دراسات فی الاصلاح و التعاون الزراعی الانتاجی**؛ بغداد: مطبعة العربی الحدیثه، ۱۹۸۶م.
۶. حمدان، حمیداحمد؛ **الواقع الاجتماعی و الاقتصادی لسكان اهوارالعراق**؛ بصره: کلیة الاداب جامعة البصره، ۲۰۰۶م.
۷. حموی، یاقوت بن عبدالله؛ **معجم البلدان**؛ ج ۱، بیروت: دارالصادر، ۱۳۹۷ق/۱۹۹۷م.
۸. الخزعلی، ابراهیم؛ **الاهوار جنة الجنوب المفقوده**؛ بغداد: مطبعة الاتحاد، ۱۹۹۸م.
۹. الخياط، حسن؛ «جغرافیه الاهوار العراق»؛ **الشرق الاوسط**؛ العدد ۹۶۴۳، ۲۰۰۳م.
۱۰. خیون، رشید؛ **اهوار العراق تاریخ الماء و التجفیف**؛ بغداد: مرکز العراق للابحاث، ۲۰۰۵م.
۱۱. رووف، عادل؛ **العمل الاسلامی فی العراق**؛ الطبعة الاولى، بیروت: دارالهادی، ۲۰۰۵م.
۱۲. السعدی، ریاض ابراهیم؛ **الهجرة الداخلية للسكان فی العراق**؛ الطبعة الاولى، بغداد: مطبعة دارالسلام، ۱۹۷۶م.
۱۳. سلیم، شاکر مصطفی؛ **الجبايش، دراسة اثر و بولوجیه لقرية فی اهوار العراق**؛ بغداد: مطبعة النجاح، ۱۹۵۷م.
۱۴. سوسه، احمد؛ «الاهوارالعراق»؛ **الحوار المتمدن**؛ العدد ۲۰۶۶، ۲۰۰۷م.
۱۵. الشطری، کامل؛ «اهوارالعراق صرفه الغضب فی زمن الجفاف»؛ **الحوار المتمدن**؛ العدد ۱۵۳۹، ۲۰۰۶م.

۱۶. الصالح، خضير عباس؛ تنمية الزراعة في اقليم الوسط و الجنوب؛ حقائق و ارقام؛ بغداد: مركز العراق للابحاث، ۲۰۰۲م.
۱۷. الصافي، حيدر شامان؛ الاهوار، الطبيعة، المعدان؛ بغداد: مركز العراق للابحاث، ۲۰۰۵م.
۱۸. _____؛ تاريخ الاهوار و الاهمية الاقتصادية؛ بغداد: مركز العراق للابحاث، ۲۰۰۷م.
۱۹. صوت الدعوة؛ العدد ۴۴، محرم ۱۴۱۴ق.
۲۰. الظالمی، حامد ناصر؛ الاقتصاد العراقي مراحل التطور و الاخفاق محاولة في تحديد الهيكلية؛ بغداد: مركز العراق للابحاث، ۲۰۰۲م.
۲۱. الظاهر، عبدالرزاق؛ في الاصلاح الزراعي و السياسي؛ الطبعة الاولى، بغداد: مطبعة شفيق، ۱۹۵۹م.
۲۲. علي، فاضل عبدالواحد؛ عوامل نشوء الحضارة في العراق، في التاريخ العراق قديمه و حديثه؛ بغداد: مطبعة العربي الحديثه، ۱۹۹۸م.
۲۳. العزاوي، عباس؛ عشائر العراق؛ الطبعة الاولى، قم: المكتبة الحيدريه، ۱۴۲۵ق.
۲۴. الفهدی، عرفان؛ «الانتفاضة الشعبانية، عوامل الصيرورة و التكوين»؛ دراسات عراقية؛ العدد ۲، ۱۹۹۷.
۲۵. محمد، ماجد سيد ولي؛ «اهوار العراق تاريخ الماء و التجفيف»؛ الرياض، مجلة المعرفة، العدد ۱۰۶، ۲۰۰۴م.
۲۶. معروف، هوشيار؛ الاقتصاد العراقي بين التبيعه و الاستقلال، دراسة في العلاقات الاقتصادية الدولية العراق؛ منشورات وزارة الاعلام، الجمهوريه العراقيه، ۱۹۷۷م.
۲۷. المقدسي، ابو عبدالله محمد بن احمد؛ احسن التقاسيم في المعرفة الاقاليم؛ مقدمه و هوامشه محمد مخزوم؛ بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۹۸۷م.
۲۸. النصراوي، عباس؛ «مستقبل الاقتصاد العراقي»؛ صحيفة بغداد؛ العدد ۴۹۲، ۲۰۰۲م.
۲۹. وزارة التخطيط، الدائرة الزراعيه؛ العوامل المشجعه للهجرة من الريف الى الحضر و تأثيرها على هيكل العامله في القطاع الزراعي و القطاعات الاقتصادية الاخرى في العراق؛ بغداد: مطبعة الحكومه، ۲۰۰۲م.
۳۰. ياسين، نبيل؛ التاريخ المحرم؛ الطبعة الاولى، لندن: مؤسسة الرافد، ۱۹۹۸.

31. Al-khayoun, Rasheed Bander and Bachmann Anna Sophia ,the marsh Arab of Iraq (the legacy of Saddam Hussein and an Agenda for restoration and Justice, New York university, 2004.
32. Clark, P., and S. Magee, "The Iraqi Marshlands A human and environmental study", AMAR International Charitable Foundation ,2001.
33. Cole, Jun, the united states and Shiite Religious Factions in post Bathist Iraq, middle East journal volume 57, no 4 Autumn ,2003.
34. Issawi, Charles and Yeganeh Mohammad, the Economics of middle Eastern, new York, praeger, 1962.
35. Kubba, Sam, the Iraqi Marshlands and the Marsh Arabs (the Maadan, their culture and the environment) Itaca press, 2003.
36. Rory Stewart, the prince of the Marshes: and other occupational hazards of a year in Iraq, Harcourt, 2004.
37. Thesiger, Wilfred, The Marsh Arabs, penguin group, London, 2007.
38. Tripp, Charles, The Iraq – Iran war and the Iraqi state, university of London press, 1993.
39. Middle East watch (no Human Rights watch / middle East and North Africa) Current Human Rights conditions Among the Iraq shia: summary of Findings of a Middle East watch Mission, January 28 february, 1993.
40. <http://www.Fa.org> .
41. <http://www.ideo.columbia.edu>.
42. <http://ewrc.sharif.edu>.